



فتنه‌ها و مصیبت‌ها

در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)

«الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر (عج)»

نویسنده: السید ابن طاووس

مترجم: محمدهادی هدایت

انتشارات سفیر صبح

۱۳۸۸

سرشناسه	: ابن طاووس، علی بن موسی، ۵۸۹-۶۶۴ ق.
عنوان نام پدیدآور	: فتنه‌ها و مصیبت‌ها در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) = الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر (عج) / نویسنده ابن طاووس: مترجم محمد مهدی هدایت.
مشخصات نشر	: تهران: سفیر صبح، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۸ ص.
شابک	: ۲۵۰۰۰ ریال: 978-964-7071-41-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: کتاب حاضر با عناوین مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
موضوع	: فتن و ملاحم -- احادیث.
موضوع	: آخر الزمان -- احادیث.
موضوع	: مهدویت.
شناسه افزوده	: هدایت، محمد مهدی، ۱۳۶۲ - . مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۴۱۰۴۱۴۴/۵:BP۲۲۲
رده‌بندی دبیری	: ۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۵۷۶۶۵۳

سفیر صبح ۲۲۰۸۸۰۵۰

فتنه‌ها و مصیبت‌ها در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)

مترجم: محمد مهدی هدایت

نویسنده: السید ابن طاووس

مترجم: محمد مهدی هدایت

چاپ اول: بهار ۱۳۸۸

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

لیتوگرافی چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

بها: ۲۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۷۱-۴۱-۳ ISBN: 978-964-7071-41-3

مراکز توزیع:

پخش کتاب احسان: تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین پلاک ۲۵ واحد ۱ تلفن: ۶۶۹۵۶۰۰۳

پخش فطرس: تلفن: ۶۶۹۷۴۶۴۳

قم: انتشارات پیام مهدی: تلفن: ۷۷۳۲۱۸۷-۰۲۵۱

فهرست مطالب

- حیات مؤلف ۵
- معرفی اجمالی کتاب الملاحم و الفتن ۱۳
- مقدمه مؤلف ۱۵
- بخش اول: احادیث منقول از کتاب الفتن تألیف نعیم بن حماد
خزاعی ۱۹
- بخش دوم: ترجمه کتاب الفتن، تألیف ابوصالح سلیلی ۱۱۱
- بخش سوم: ترجمه کتاب الفتن تألیف ابویحیی
زکریا بن یحیی ۱۶۷
- بخش چهارم: روایاتی منقول از کتاب المجموع تألیف
محمد بن حسین مرزبان ۱۹۷
- فهرست آیات ۲۴۷

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لك يا رب اولاً و آخراً و الشكر ظاهراً و باطناً و السلام على اوليائك
 و اودائك في كل حال و لا سيما محمد بن عبدالله و آله الطيبين الطاهرين و أصحابه
 المنتجبين مادامت السموات قائمة و الأرض جارية

حیات مؤلف

ایشان رضی الدین ابوالقاسم علی بن سعدالدین ابراهیم بن موسی بن
 جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی عبدالله محمد طاووس بن
 اسحاق ابن حسن بن محمد بن سلیمان بن داود ابن حسن مثنی بن امام
 معجبتی حسن بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. کنیه
 «ابن طاووس» به خاطر خویشاوندی او با ابی عبدالله محمد بن اسحاق،

۱. در پایان کتاب مستدرک تألیف نوری، ج ۳، ص ۴۶۶ از کتاب مجموعه شهید اول نقل

شده است که اسحاق در هر شبانه روز، ۵۰۰ رکعت نماز به جای پدرش می خواند.

۲. عمدة الطالب، ص ۱۷۸، چاپ نجف: داوود برادر رضاعی امام صادق علیه السلام بود که
 منصور او را به زندان افکند و خواست او را بکشد ولی به واسطه دعایی که امام علیه السلام به
 مادر او یاد داد خداوند او را از زندان آزاد نمود و این همان دعایی است که به نام دعای
 ام داوود شناخته شده و در ۱۵ ماه رجب وارد است.

۳. این نسب را مترجم در قسمت اجازات بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۷ و عمدة الطالب، ص

۱۷۸ آورده است.

جد بزرگ اوست، چون محمد دارای چهره‌ای زیبا بود لذا به او لقب طاووس داده شد.^۱

مادر ایشان، دختر شیخ عالم و زاهد، «ورام بن ابی فراس حلّی» است از لحظه لحظه‌های حیات مؤلف فهمیده می‌شود که جایگاه او فراتر از ادراک عقول است چه در پاکیزگی روح و جان، چه در کثرت علم و شدت احتیاط و ورع بی‌نهایت او و چه در پرهیز از آن‌چه که موجب نارضایتی حق تعالی است و همه این‌ها در کنار زحماتی است که برای جامعه اسلامی متحمل شده با استفاده از هر وسیله‌ای که او را تا اوج پاکی و نزاهت و تهذیب و تربیت برساند. این موارد در قالب نصایح سودمند و راهنمایی‌های ارزشمند در نامه ایشان به پسرش به نام کشف المحجّه بازگو شده است.

هم‌چنین با راهنمایی انسان به سوی حجت‌ها و برهان‌ها برای شناخت دین و عوامل رفع حُجب در کتاب‌هایی مانند کشف الیقین، طرائف و الطرف ایفای نقش می‌کند و گاهی با مجاب کردن و قبولاندن عبادت و تقرّب انسان به خداوند متعال به عنوان یگانه غایت آفرینش در کتاب‌های اقبال، فلاح السائل، جمال الاسبوع و مهج الدعوات از این واقعیت حکایت می‌کند.

گاهی هم با متوجه کردن دیدگان به سوی تاریخ درستی که پند پندگیرندگان و انگیزه‌ای است برای شناخت میراث سلف صالح و دوری از عوامل آشفتگی و نابسامانی گذشته در کتاب شریف الاصفه‌اء الی تاریخ الخلفاء به ما از چنین تاریخی خبر می‌دهد.

اما تسلّط ایشان بر فقه و قدرت وی در استخراج احکام دین از

روایات خاندان ولایت را می‌توان در کتاب غیث سلطان الوری لِسْکَانِ الثَّوْرِ یافت که پیچ و خم‌های آن را به خوبی حل و فصل نموده است. آن‌چه که از ویژگی‌های مصنف در ذهن ما می‌گذرد همه و همه، در رتبه‌ی بعد از ویژگی‌ها و صفات ممتاز اخلاقی است که او را در میان بزرگان بالاتر قرار داده است و به همین دلیل توفیق شنوندگی سخنان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را یافت و صاحب کراماتی شد که در کتاب‌های معتبر از آن سخن به میان آمده است و اشخاص ثقه و مورد اطمینان از آن یاد کرده‌اند و حتی خود مرحوم ابن طاووس (اعلی الله مقامه) از باب اجراء امر الهی «و اما بنعمة ربك فحدث»؛ در مورد نعمت‌های پروردگار (که به تو عنایت کرده است) سخن بگو (و اظهار بنما) گوشه‌ای از آن را بیان نموده‌اند. در همین باره مرحوم علامه‌ی حلی در اجازه نامه‌ای که به بنی‌زهره می‌دهند چنین می‌گویند: «رضی‌الدین علی بن طاووس صاحب کرامت بود. بعضی کرامات را خود به من گفته بود و بعضی را هم پدرم برایم نقل کرده است و در کتاب‌های امان الاخطار، مهج الدعوات و غیث سلطان الوری بسیاری از آنها را خود نویسنده بیان نموده است.

بیت: مثال تو در میان توده‌ی مردم، مَثَلُ مُشْکِ است که هر چند از خون آهوان صحرا است اما مُشْکِ کجا و خون آهو کجا!

در مورد نقابت مرحوم سیدیعی سرپرستی کارهای سادات علوی و تدبیر مشکلات و دفاع از آنها در مقابل کینه‌توزی بدخواهان، اولین کسی که از این خاندان عهده‌دار این مسئولیت شد پدر بزرگ او، ابو عبدالله محمد، ملقب به طاووس نقیب شیعیان در «سوری»^۱ بود.^۲

در برهه‌ای که این مؤلف بزرگوار غرق در عالم عرفانی و تجرد از عالم ملک بود و با سیر در وادی نور و قداست، روزگار می‌گذراند، میلی به قبول نقابت علویان را در زمان مستنصر عباسی نداشت اما در فرجام کار، قیام به خاطر این انسان‌های شریف را بر خواسته و رأی خود ترجیح داد تا شاید بدین وسیله غبار ذلت را از روی آنها بزداید و آنان را از منجلاب پستی‌ها و ردائل برهاند به امید آن که بتواند آنها را در مسیر گذشتگان وارسته و پاکش سیر دهد، این عوامل موجب شد تا تولیت نقابت شیعیان را از سوی هلاکو بپذیرد و در مدت حدود ۳ سال و ۱۱ ماه^۳ توانست به آنچه که می‌خواست برسد.

مدت پانزده ماه در بغداد رحل اقامت افکند و پس از آن به حله و سپس به نجف، آستانه شریف امیرالمؤمنین علیه السلام رفت. بعد از مدتی در دوران حکومت مغولان، دوباره به بغداد بازگشت.

زمانی که هلاکو بغداد را سال ۶۵۶ هـ فتح کرد از علمای آن شهر در مستنصریه استفتاء کرد که «سلطان کافر عادل بهتر است و یا سلطان مسلمان ظالم». علما از جواب دادن طفره رفتند ولی رضی‌الدین علی‌بن طاووس با خط خود چنین نوشت: «کافر عادل بهتر از مسلمان ظالم است». سایرین نیز با اعتمادی که به او داشتند همان مطلب را امضاء کردند.^۴

۲. اجازات، ص ۱۹؛ نوری، پایان مستدرک، ص ۴۷۰ به نقل از: مجموعه شهید. سوری با توجه به آنچه که در معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۶۸ گفته شده است از بخش‌های بابلی در نزدیکی حله است.

۳. اجازات، ص ۱۹ و خاتمه مستدرک، ص ۴۷۸.

۴. الفخری فی الآداب السلطانیة، ص ۱۱، چاپ مصر، ۱۳۴ هـ.

وی از محضر دانشمندان و محققان بزرگی استفاده نمود و از آنها اجازه‌نامه دریافت کرد از جمله:

۱. دانشمند پرهیزکار شیخ حسین بن محمد سوراوی، ابن طاووس در فلاح السائل گفته است که در سال ۶۰۹ هـ از او اجازه‌نامه دریافت کردم.

۲. شیخ ابوالحسن علی بن یحیی بن علی الفقیه الحنّاط؛ همان‌طور که در جمال الاسبوع و فلاح السائل و اربعین شهید ثبت شده است؛ حنّاط منسوب به گندم (حنطه) فروشی است و اگر خیاط باشد آن‌گونه که در فتح الابواب آمده، منسوب به خیاطی است. در فلاح السائل و جمال الاسبوع آورده که از او در سال ۶۰۹ هـ اجازه‌نامه دریافت کردم.

۳. شیخ نجیب‌الدین محمد بن نما که او را در الدرّوع آورده است.

۴. سیدشمس‌الدین فخار بن معد موسوی.

۵. شیخ بزرگوار ابوالسعادات، اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد اصفهانی صاحب رشح الولاء فی شرح الدعاء که سید بن طاووس در فلاح السائل آورده که از او در سال ۶۳۵ هـ در خانه‌ای که مستنصر خلیفه عباسی، مرا در آن اسکان داد اجازه‌نامه‌ای دریافت کردم.

۶. شیخ تاج‌الدین حسن بن دربی؛ از او در الدرّوع الواقعة نامی به میان آورده است.

۷. شیخ سدیدالدین سالم بن محفوظ بن عزیز بن وشاح، السوراوی حلی، فقیه، دانشمند و صاحب‌نظر در علم کلام یا نویسنده کتاب منهاج در زمینه علم کلام که شهید در کتاب اربعین ذیل حدیث نهم نام او را قید نموده است.

۸. سید ابوحامد محی‌الدین محمد بن عبدالله بن زهرة الحسینی، پسر برادر ابن زهرة نویسنده کتاب الغنیة؛ ذیل حدیث ۳۳ در کتاب اربعین نام

او ذکر شده است.

۹. نجیب‌الدین محمد سوراوی همانطور که در اجازات آمده است.

۱۰. سید صفی‌الدین محمد بن معد موسوی.

همچنین، شخصیت‌های ممتاز و برجسته‌ای از محضر او استفاده نموده‌اند و از او در حدیث و روایت، اجازه نامه دریافت کرده‌اند که بارزترین آنها علامه حلّی و پسر برادرش سید عبدالکریم صاحب کتاب فرحة الغری و دیگرانی که علامه نوری در خاتمه المستدرک نام آنها را ذکر کرده است.^۱

سید بن طاووس در محرم سال ۵۸۰ هـ به دنیا آمد و در پنجم ذی‌القعدة^۲ سال ۶۶۴ هـ در بغداد از دنیا رفت و پیکر پاکش به نجف بارگاه جدش، انتقال یافت.^۳ آن‌گونه که در بیان خصوصیات قبر در فلاح‌السائل تصریح می‌کند:

«شایسته است قبر تا استخوان ترقوه باشد و در جهت قبله، به اندازه‌ای که انسان نشسته جای می‌گیرد فضا داشته باشد زیرا قبر، خلوتگاه و مکان تنهایی است پس به اندازه‌ای که خداوند متعال دستور داده است باید وسیع ساخته شود تا موجب رضایت و تقرب حضرت حق گردد. من خود همین کار را کردم و از گورکن خواسته‌ام تا قبری را برای من آماده کند و آن را در جوار جدم و آقایم علی بن ابی طالب علیه السلام انتخاب کردم. درحالی که طالب میهمانی هستم دست به دامان او زده‌ام، دست طلب را بلند کرده‌ام و با تمام وجود به او متوسل شده‌ام. مکانش

۱. مستدرک الوسائل، ص ۲۷۳، ج ۳.

۲. العزّازی، عراق بین دو لشغال، ص ۲۶۲، ج ۱.

۳. ابن‌الغوطی، الحوادث الجامعة، ص ۳۵۶.

را در پایین پای مادر و پدرم رحمه الله علیهما قرار دادم چون خداوند تعالی به من دستور می دهد تا بال های رحمتم را برای والدین پایین بیاورم و بگسترانم (احترام و رسیدگی با تمام وجود) و مرا به نیکی با آنها سفارش می کند این گونه بود که خواستم سرم در پایین پای آن دو قرار بگیرد».

بنابه این وصیت جنازه او باید به نجف اشرف حمل و در آنجا مدفون شود اما در خارج شهر حله گنبد و بارگاه بزرگی منسوب به اوست و او را در آنجا زیارت می کنند و تبرک می جویند. اما چنانچه فوت او در شهر بغداد واقع گردیده باشد، دفن او در شهر حله بعید به نظر می رسد. هر چند امکان این وجود دارد که آن گنبد و بارگاه متعلق به عده ای از خاندان طاووس علیهم السلام و نه شخص ابن طاووس باشد.